



روزنامه فرهنگ و هنر

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا  
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی  
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com  
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵  
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵  
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران  
توزیع: نشر گستر امروز



گفت‌وگوی صبا با یاشار سربلند نویسنده و کارگردان

درایت و علم قاضی به دادم رسید

پگاه زارعی - یاشار سربلند کارگردان و فیلمنامه‌نویس؛  
در باره چالش‌ها و اتفاقات عجیب و غریبی که در مسیر ساخت  
سریالی با موضوع ماشین بازی داشته است گفت. در حاشیه  
نشست نقد و بررسی فیلم کوتاه در یک مجموعه فرهنگی  
با یاشار سربلند که کارگردانی چندین فیلم بلند داستانی  
را در کارنامه هنری خویش دارد، رو به رو شدم که پرشور و  
اشتیاق، فیلم‌ها را نقد و تحلیل می‌کرد. از روی کنجکاوی با  
او به گفت‌وگو نشستیم؛ سربلند، در همان ابتدای صحبت خبر  
داد که نگارش فیلمنامه سریال «ماشین بازی» که پیش‌تر قرار  
بود با نام «آوانتاژ» با محوریت ماشین بازی تولید شود را از سر  
گرفته است. اما حکایت شخصی وی بیش از آن که می‌پنداشتم  
غافلگیرکننده بود! فرآیند و فرودهایی در مسیر ساخت یک  
سریال، از سویی کارشکنی‌ها و بسدقابالی‌های فراوان و در  
مقابل، استقامت، صبر و ایمان را سخاوت این آقای کارگردان در  
تمام مدت گفت‌وگو نظر مرا جلب کرد. در ادامه گفت‌وگو  
خبر نگار صبا را با یاشار سربلند کارگردان و فیلمنامه‌نویس  
می‌خوانید.

سربلند در باره اتفاقات عجیب و غریب خود از نگارش و پیش تولید  
سریال «ماشین بازی» گفت: در بهار سال ۱۳۹۹ طرح قصه یک سریال  
را نوشتم. بخش اعظم بوجه مورد نیاز پروژه در قالب اعتباری، نقدی  
و حمایتی فراهم شد و در نهایت جهت تکمیل باقیمانده بودجه پروژه،  
با یک آقای به عنوان سرمایه‌گذار مستقل بخش خصوصی قراردادی  
منقعد کردم که البته برای آسایش خیال ایشان، یک فقره چک ضمانت  
نیز به ایشان تحویل دادم. برای نخستین بار، قرار بود که در ایران  
سریال مبتنی بر کانسپت ماشین‌بازی همانند فیلم‌های سینمایی  
«سریع و خشن» ساخته شود. فرآیند نگارش فیلمنامه توسط تیم  
فیلمنامه‌نویسی آغاز و همزمان پیش تولید، انعقاد قراردادها و پرداخت  
دستمزد به عوامل پشت دوربین و بازیگران انجام شد. تصویربرداری  
ویدئوهای به عنوان پیش‌نمایش با استفاده از جلوه‌های ویژه دیجیتال  
در قالب‌های نوین، تولید و آماده شد. با انرژوی زیاد متمرکز بر روی  
رایزنی با اسپانسرها و هم‌افزایی با فدراسیون موتورسواری و اتومبیلرانی،  
کانون جهانگردی و اتومبیلرانی، رسانه‌های خودرویی و... شدم؛ کار به

جایی رسید که با پخش کنندگان بین‌المللی به توافق رسیدم و طبعاً  
بر آورد بوجه پروژه به چندین برابر مبلغ پیشینی شده فرونی یافت.  
لذا ناگزیر از سرمایه‌گذاران دیگری برای مشارکت دعوت کردم، همه  
چیز به خوبی پیش می‌رفت تا اینکه به ناگهان وارد یک چالش دشوار  
شدم!... چک ضمانت ذیل قرارداد (که بدون اطلاع من، از سوی  
آقای سرمایه‌گذار به فردی دیگر واگذار شده بود) برگشت زده شد!!!  
و در پی آن حساب بانکی‌ام از اعتبار ساقط و امکان عقد قرارداد با  
سرمایه‌گذاران جدید سلب و پروژه به تعطیلی کشانده شد!

#### واکنش همکاران تان چه بود؟

برایم بسیار تلخ بود. چون بسیاری از کسانی که میلیون‌ها تومان از من  
دستمزد دریافت کرده بودند، به ناگهان مراد آن بر رخ‌رها کردند، تنها  
کسی که در این راه پرخطر و دشوار در کنارم ماند همسر سابق‌ام بود که  
ایستادگی قهرمانانه‌اش، ستودنی‌ست. اما از تلاش دست نکشیدم و با  
هدف از سرگیری پروژه، طی سفری به خارج کشور رفته و در آنجا با  
سرمایه‌گذاران بین‌المللی دیدار و توافق کردم. پس از بازگشت به ایران،  
از دارنده ثانویه چک دعوت نمودم تا مذاکره کنیم اما وی اقدام به  
گماردن افرادی برای ارباب و تهدید نمود!... من و همسر سابق‌ام ماه‌ها  
با اضطراب ناشی از بورش احتمالی شرخرها روزگار سپری کردیم. در  
اسفندماه سال ۱۴۰۰ از سوی دادگاه حقوقی تهران (به استناد چک  
برگشتی مرتبط با ساخت سریال) بر علیه من، اجرائیه صادر شد! گنج  
شده بودم.

#### حتماً فراهم کردن پول برای پرداخت حق‌الوکاله برای تان به یک چالش جدی تبدیل شد؟

بله، هزینه‌های حق‌الوکاله بسیار بالاتر از توان مالی‌ام بود لذا بدون  
وکیل فرآیند دفاع از خویش را انجام دادم که متأسفانه منجر به به  
شکست شد ولی به همت یار حقوقدان آقای دکتر شیدان فضلی‌راد،  
یک تیم و کالت پرونده‌ام را پذیرفتند. متعاقباً در شهر یورماه ۱۴۰۱ مطلع  
شدم که حکم جلب سیار صادر شده و آن‌قا به محل سکونت پیشین  
من مراجعه کرده است. من و همسر دوباره مدت مدیدی را در استرس  
و نگرانی و ترس روزگار سپری کردیم تا اینکه در بهمن ماه سال ۱۴۰۱  
هنگام حضور در یک جلسه کاری، دستگیر و روانه زندان اوین شدم!!!

#### واقعاً فکر می‌کردید که بابت تولید یک اثر فرهنگی - هنری

#### به زندان بیفتید؟

قطعاً خیر؛ در حبس، در قهقرای ناامیدی غرق شدم اما خداوند یاری  
کرد تا خودم را بیابم. در آنجا به سایر مددجویان فیلمنامه‌نویسی تدریس  
می‌کردم. اندکی بعد تأییدیه ساترا، نامه‌سازمان سینمایی و رأی  
شورای داوری خانه سینما به مستندات پرونده افزوده شده و همزمان  
خبر رسید که دادگاه تجدیدنظر، پرونده را به دادگاه بدوی ارجاع داده  
است و خوشبختانه حکم توقف عملیات اجرایی از سوی دادگاه صادر شد  
و به نظر من اینجاست که اهمیت علم و درایت قاضی محترم بر سرنوشت  
یک انسان آشکار می‌شود.

#### و لحظه آزادی...!

در واپسین روز خرداد ۱۴۰۲ در کمال ناباوری از همان پله‌هایی پایین  
آمدم که پنج ماه پیشتر، از آن‌ها بالا رفته بودم... به خانه آمدم با یک  
پروژه نیمه‌کاره در قلبم و به نوعی هم اضطراب جاری در ذهنم مبتنی  
بر آنکه همچنان به قید ضمانت موقتاً آزاد بودم. از آنجائیکه مدت‌های  
طولانی تحت تأثیر تروماهای هولناک غم و اضطراب زیسته بودم  
توان انجام دادن هیچ کار موثری را نداشتم.

#### پس از ساخت سریال «ماشین‌بازی» صرفنظر کردید؟

خیر! به هیچ عنوان. «ماشین‌بازی» مرا هرگز رها نمی‌کند. در  
بهمن سال ۱۴۰۲ تصمیم گرفتم تا طرح قصه پیشین سریال را  
(که قبلاً آوانتاژ نام داشت) کنار بگذارم لذا یک طرح کاملاً جدید  
و متفاوت نوشته شد که البته همچنان مفهوم «ماشین‌بازی» در آن  
محفوظ است.

#### سرانجام کشمکش قضائی مربوط به اختلافات شما با آن

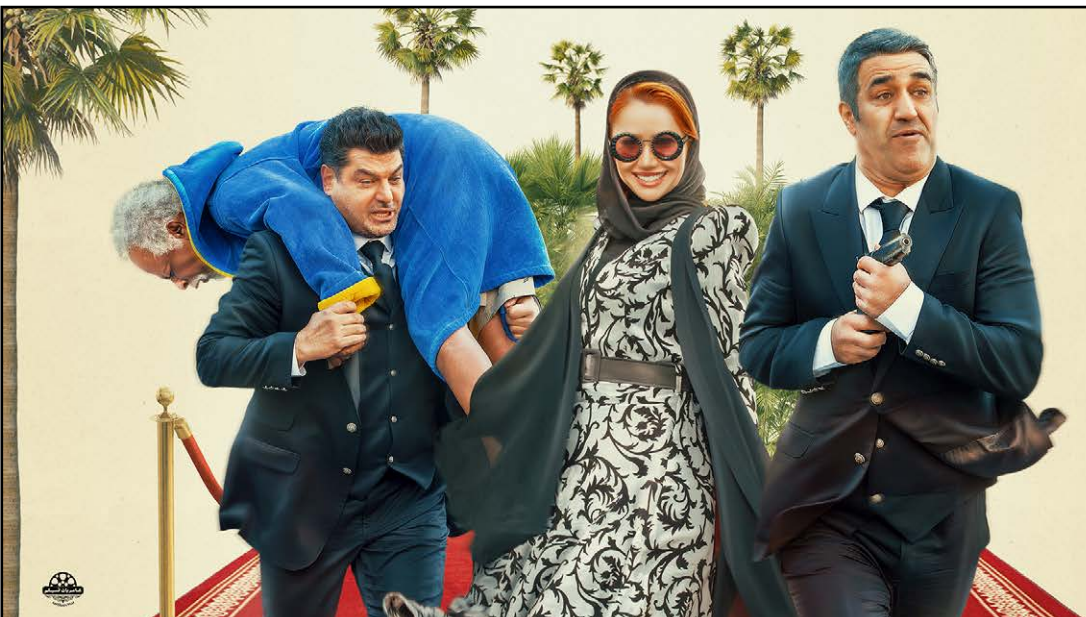
#### سرمایه‌گذاران سریال آوانتاژ چه شد؟

نهایتاً دادگاه حقوقی تهران حکم ابطال اجرائیه را به نفع من صادر  
نمود و پرونده قضائی مذکور در بهار ۱۴۰۳ برای همیشه مختومه  
اعلام شد.

#### چه حس جذابی!... خلاصی پس از چهار سال و حالا

#### فرصت از سرگیری دوباره پروژه تان؟

بله، به لطف خداوند و البته به یاری بازوان عدالت دستگاه قضائی،  
بالاخره رها شدم و هم‌اکنون در آسایش، فرآیند نگارش فیلمنامه  
آغاز شده است.



کارگردان مسعود اطمیانی | تهیه‌کننده سید ابراهیم عامریان  
Director Masoud Ebrahimi | Producer Ebrahim Amerian

TEXAS 3

نویسنده حمزه صالحی

تگزاس ۳

پژمان جمشیدی | سام درخشانی | گابریلا پتری

با هنرمندی مهدی هاشمی و ژاله صامتی

آدریانو تولوزا، سیدجواد هاشمی، محمدجواد جعفرپور، نعیمه نظام‌دوست  
سام نوری، سیاوش چراغی‌پور، ساعد هدایتی، داوود شیرعلی، لادن زافه وند